

اعتراضات کارگری بزرگ ترین کابوس سران حکومت اسلامی!

جوش عظیمی در میان کارگران ایران در جریان است. این جوش از یک سو در رابطه با سرکوب ها و وحشیگری های اخیر حکومت و از سوی دیگر، گرانی و تورم و فقر فزاینده شرایط بسیار سخت و غیرقابل تحملی را برای اکثریت خانواده های مزدبگیران به وجود آورده است.



کودکانی که در خیابان ها دستفروشی می کنند؛ پیرزنان و پیرمردانی که دست گدایی به سوی رهگذران دراز می کنند، کارتن خواب هایی که در هر گوشه شهر به چشم می خورند و غیره همگی نشان دهنده فقر و فلاکت فزاینده و کمرشکنی ست که در عمق جامعه ریشه دوانده است.

بنا بر گزارش مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی که در تاریخ ۱۵ شهریور ۱۳۸۸ انتشار یافته است، ایران از لحاظ نرخ بیکاری رتبه اول را در منطقه و رتبه هفدهم را در جهان داراست. مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی در پژوهشی که به مناسبت تبیین سیاست های کلی برنامه پنجم در حوزه اقتصاد کلان منتشر کرد، یکی از دغدغه های اقتصاد کلان را توزیع عادلانه درآمد و رسیدگی به وضع اقشار ضعیف و آسیب پذیر و در همین حال نرخ بالای بیکاری دانست که از نگاه این مرکز باید به آن توجه جدی کرد.

طبق آمار بانک جهانی، فساد در ارگان های دولتی ایران در طی ۴ سال دولت احمدی نژاد، ۶۵ رتبه اضافه شده و به ۱۴۱ در بین ۱۹۴ کشور دنیا رسیده است. (صندوق بین المللی پول، روزنامه سرمایه ۸۸/۰۲/۰۶)

بر اساس گزارش رسمی دیوان محاسبات کشور (مجلس طرفدار دولت) در بودجه سال ۱۳۸۶، ۵۴ درصد تخلف توسط دولت احمدی نژاد صورت گرفته و رقم تخلفات در آن سال به ۶۶ هزار میلیارد تومان می رسد. (گزارش دیوان محاسبات مجلس، روزنامه سرمایه ۸۸/۰۱/۲۴)

در بودجه سال ۱۳۸۵ دولت احمدی نژاد، ۲۰۰۰ مورد تخلف داشته است و عمده این تخلفات مربوط به وزارت نفت بوده است. (گزارش دیوان محاسبات مجلس، روزنامه سرمایه، ۸۸/۰۱/۲۴ و ۸۷/۱۱/۲۳ و ۸۷/۱۱/۲۱)

دولت احمدی نژاد بیش از ۲۰۰۰ میلیارد تومان شکر وارد کشور شد و این مقدار شکر برای ۱۰ سال مصرف ایران کفایت می کرد که باعث تعطیلی کارخانجات شکر و بیکاری صدها هزار نفر کشاورز چغندر کار و کارگران کارخانجات شده است. (روزنامه سرمایه ۸۸/۰۲/۰۵)

با ثروت و اعتباری که دولت احمدی نژاد از بین برد، حداقل امکان ۲۵ میلیون اشتغال وجود داشت. یعنی نه تنها هیچ بیکاری وجود نداشت، بلکه چند میلیون نفر خارجی نیز بایستی در ایران کار می کردند. (روزنامه سرمایه ۸۸/۰۲/۱۰)

به گزارش ایلنا، طی چهار سال گذشته، حجم درآمدهای نفتی دولت نهم از ۲۳۵ میلیارد دلار فراتر رفت. به گزارش ایلنا، در پی افزایش قیمت نفت، حجم درآمدهای نفتی کشور افزایش چشمگیری یافت و به رقم بی سابقه ۲۳۵ میلیارد و ۷۷۰ میلیون دلار رسید. این رقم، تنها صادرات نفت خام را شامل می شود و در این آمار میزان صادرات فرآورده های نفتی و میدان های گازی محاسبه نشده است. بر این اساس آمارها نشان می دهد، میزان درآمد نفت در چهار ساله اول دولت احمدی نژاد بالاترین میزان صادرات نفت بوده است. در این دوره قیمت نفت حتی به رقم بی سابقه ۱۴۸ دلار در هر بشکه نیز رسید. گزارش های ارائه شده حاکی از آن است که ارزش صادرات نفت خام در سال ۱۳۸۴ برابر با ۴۳ میلیارد و ۹۷۲ میلیون و ۳۰۰ هزار دلار بوده است. این رقم در سال ۸۵ به ۵۱ میلیارد و ۱۷۱ میلیون و ۳۰۰ هزار دلار رسید. در سال ۱۳۸۶ میزان درآمدهای حاصل از فروش نفت خام ۶۸ میلیارد و ۷۰۱ میلیون دلار و در سال ۱۳۸۷ این درآمد به ۷۲ میلیارد و ۹۲۶ میلیون دلار رسید.

سؤال این است که سهم کارگران و مردم محروم از این درآمدهای کلان چه بوده است؟ واقعیت این است که حکومت اسلامی، جز سرکوب های سیاسی و تحمیل فقر و سیه روزی، کار دیگری برای اکثریت مردم ایران انجام نداده است.

واگن سازی اراک تنها کارخانه بحران دار نیست. ماشین سازی اراک، آذراب و ایرالکو از دیگر واحدهای بحران زده در شهر صنعتی اراک هستند. طبق اعلام های رسمی، تا اوایل ماه جاری، حدود ۶۰۰ کارخانه یا تعطیل شده اند یا در حال بسته شدن هستند.

در پنجم مرداد، خبری در اعتماد ملی چاپ شد که ۱۵۰ شرکت دیگر به این دسته اضافه می شوند. از جمله پارس الکتریک، ایران مریوس، آذرب، ماشین سازی اراک، کیان تایر، لاستیک البرز، لاستیک دنا، ایران پویا یا ایرالکو که بزرگ ترین تولیدکننده آلومینیم در ایران است.

روز پنجشنبه ۱۹ شهریور ۱۳۸۸، کارگران شرکت واگن پارس بعد از سه ماه کار بدون حقوق و چندین اعتراض نمادین تمام شیشه ها، میزها، صندلی ها، تابلوها و دیگر وسایل سالن غذاخوری این کارخانه را شکستند. این اعتراض به دلیل بی توجهی مدیران این شرکت و تهدید کارگران توسط حراست این کارخانه به خشونت کشیده شد.

خبرگزاری ایلنا نیز در گزارشی تحت عنوان «کارگران نساجی اصفهان عزادارند» می نویسد: «کارگران نساجی کاشان که اکثر آن ها دارای بیش از ۱۸ سال سابقه کار هستند ۲۲ ماه است که حقوق نگرفته اند. در حال حاضر کارخانه سیمین اصفهان نیمه تعطیل است و حدود ۴۰ درصد کارگران در این کارخانه سر کار هستند.»

ایلنا به نقل از علی اصغر بروشان، دبیر اجرایی خانه کارگر اصفهان، می نویسد: «در حال حاضر صنعت نساجی در کشور با بحران مواجه شده و بسیاری از واحدهای نساجی تعطیل یا در آستانه تعطیلی هستند. قرارداد بیش از ۸۰ درصد کارگران این استان موقت است.» ایلنا می نویسد: «هر روز صدا و سیمای جمهوری اسلامی اخباری درباره ادامه بحران اقتصادی در غرب، همگام با گرسنگان آلمانی، بیکاران فرانسوی، درماندگان ژاپنی، مستمری بگیران آمریکایی، فقرای ایتالیایی، برای احقاق حقوق آن ها اخبار تجمعات و اعتصاب های آن ها را پوشش می دهد، اما دریغ از یک پوشش از اخبار کارگری ایران که حقوقش در غبار احقاق حقوق سایر کارگران و رنجبران جهان گم می شود.»

این گزارش هنگامی منتشر شد که محمود احمدی نژاد در معرفی وزیران پیشنهادی خود درباره صنعت ایران، ادعا کرده بود: «همین الان مقایسه می کنیم، صنعت ما نسبت به سایر کشورها سرپا تر است. مشکلات داریم: آقا دو هزار تا کارخانه تعطیل شده. کجا تعطیل شد؟ نداریم که. واقعا هم ما صنعت مان فعال است. چهار سال قبل ما صنعتی داشتیم ۸۰۰ تا کارخانه تعطیل و مشکل دار و هر روز ما این جا تظاهرات داشتیم. هر روز. الان خب نیست. نه این که مشکلی نیست. تحریم را داشتیم. بحران جهانی را داشتیم. رشد صنعتی مان هم رشد قابل قبولی بوده.»

دبیر اجرایی خانه کارگر اصفهان با بیان این که تعطیلی واحدهای کوچک اقتصادی در استان اصفهان که کم تر از ۲۰ نفر نیروی کار دارند، در آمارهای مربوط به تعطیلی واحدها ذکر نمی شود، گفته است: زمانی واحدهای تولیدی در اصفهان بحران را اعلام می شود که هر کدام از آن ها بیش از ۵۰ نفر نیروی کار داشته باشند، این در حالی است که هم اکنون واحدهای کوچک به دلیل رکود اقتصادی با تاخیر، حقوق و مزایای نیروی کارشان را می پردازند و برخی از آن ها هم در آستانه ورشکستگی قرار دارند.

به گزارش ایلنا، ۴ شهریور ۸۸، کارگران نساجی کاشان که اکثر آن ها دارای بیش از ۱۸ سال سابقه کار هستند، ۲۲ ماه است که حقوق نگرفته اند. گفتن این جمله شاید برای برخی بسیار ساده باشد، ساده هم چون سایر هزارها خبری که هر روز در دل رسانه های مختلف جای می گیرد، ولی اگر کمی انسانی تر به موضوع فکر شود، آن گاه معلوم می شود که چه دردی در این جمله نهفته است. بر اساس گزارش های موجود با وجود قدمت دیرینه صنعت نساجی ایران، سهم کشور در تجارت جهانی منسوجات حدود ۵ درصد و در صادرات جهانی پوشاک حدود ۲ درصد است.

در بازارهای تهران و سایر شهرهای کشور، با وجود کیفیت پایین اجناس خارجی به ویژه چینی فروشندگان و خریداران آن را بر اجناس تولید داخل ترجیح می دهند. طی سال های اخیر کم نبودند کارخانه هایی که به دلیل عدم توان رقابت تولید را متوقف کرده و به سراغ واردات پوشاک چینی متمایل شده اند. یکی از عمده ترین مشکل صنایع نساجی ایران، فرسودگی دستگاه های این بخش از صنایع کشور و واردات بی رویه و بیش از نیاز است.

افزایش بی سابقه تورم به ویژه در طی چهار سال گذشته، باعث شده است تا ساختارهای ارکان اقتصاد کلان کشور با بحران هایی مواجه شود و همین امر بازارهای کشور را تحت تاثیر خود قرار داده است به گونه ای که بازار پوشاک با افزایش چند برابری قیمت انواع اجناس داخلی و خارجی روبرو شده است.

در آمارهای درج شده در روزنامه های رسمی کشور، می خوانیم:

احمدی نژاد، ۳۴۰ هزار میلیارد تومان را از درآمد های نفتی خرج چه عرصه هایی کرده است؟ (بانک مرکزی، وزارت نفت، روزنامه سرمایه ۸۷/۱۲/۱۷ و ۸۸/۰۳/۰۶)

دولت احمدی نژاد، گاز را از کشور ترکمنستان ۳۵۰ دلار در هر هزار متر مکعب خریده و به ترکیه ۲۰۰ دلار فروخته است؟ در تهران کارگران کارخانه لاستیک سازی دنا با پلاکاردهای «مدیر بی‌لیاقت، استعفا استعفا» اقدام به برپایی تجمع اعتراضی کردند. در پی اخراج کارگران پر ریس و پیگیری های متعدد آنان، دیوان عدالت اداری رای بازگشت به کار آنان را صادر نمود، اما از آن تاریخ تاکنون کارفرمای شرکت از به اجرا گذاشتن رای دیوان عدالت خودداری کرده است.

صبح روزیکشنبه هم کارگران کارخانه کشت و صنعت هفت تپه دست به اعتصاب زدند و نسبت به حقوق معوقه خود اعتراض کردند. اخراج ۵۰۰ کارگر از شرکت روکش چوبی ایران، ۹۰۰ کارگر از کارخانه صنایع مخابراتی از راه دور و ۲۳۰ کارگر هتل آزادی طی یک ماه و نیم گذشته در رسانه‌ها گزارش شده است.

در ۵۰۰ کارخانه ۲۰۰ هزار کارگر از سه تا ۵۰ ماه حقوق دریافت نکرده‌اند. با واردات بیش از یک میلیون تن شکر در سال گذشته، ۵۰ درصد واحدهای تولیدی شکر در مدار زیان قرار گرفتند و در باقی کارخانه‌ها نیز تولید عملاً متوقف شده است.

۶۰ درصد ظرفیت تولیدکنندگان لوازم خانگی نیز غیرفعال شده است. ساخت و ساز در تهران حداقل ۶۰ درصد کاهش یافته است. آمار تراز منفی تجاری غیرنفتی ایران از سال ۵۷ تا سال ۸۶ نشان می‌دهد که وابستگی تجاری ایران به نفت سه برابر شده و از ۱۷ میلیارد دلار در سال ۵۷ به حدود ۵۰ میلیارد دلار در سال ۸۶ رسیده است. بر این اساس، توان اقتصاد ایران در تأمین ارز مورد نیاز برای واردات سه برابر ضعیف تر شده و به همان میزان به نفت وابسته تر شده است.

بدون ملاحظه عایدات حاصل از فروش نفت و گاز در سی سال گذشته قدرت تجاری و مبادلاتی ایران به یک سوم سال ۵۷ سقوط کرده است. به بیان دیگر، برغم عایدات حاصل از فروش نفت و گاز دولت ایران طی سه دهه اخیر پی در پی با بحران مالی روبرو بوده و از جمله مصادیق آن در چهار سال اخیر ارایه متمم‌ها و اصلاحیه‌های بودجه به رغم افزایش بی سابقه درآمد های نفتی بوده است. در روزهای گذشته وزیر اقتصاد و دارایی اعلام کرد که برای رفع کسری بودجه ۸۸ که کارشناسان آن را حداقل ۱۵ هزار میلیارد تومان برآورده می‌کنند، دولت راهی جز ارایه متمم به مجلس ندارد.

طبق گفته کارشناسان و حتی برخی از مسئولین حکومتی خط فقر در ایران، ۸۵۰ هزار تا ۱۰۰۰۰۰۰ تومان است، در حالی که اکثریت مزدبگیران به اندازه یک سوم خط فقر نیز دستمزد ندارند. همین دستمزدهای ناچیز نیز به دلیل این که به موقع پرداخت نمی‌گردند، بسیاری از خانواده‌های کارگری را پریشان کرده است.

محمود احمدی نژاد، معروف ترین شیاد و دروغگوی جهان، در اولین مصاحبه مطبوعاتی پس از تشکیل دولت دهم، حاضر به پذیرش این که دولت باید خط فقر را اعلام کند نشد و خط فقر را امری سرکاری دانست. البته عدم اعلام خط فقر در دولت نهم نیز سرلوحه کار وزارت رفاه به عنوان متولی «امر فقر زدایی» در جامعه قرار گرفته بود. مصری، وزیر سابق رفاه اعلام خط فقر را امری بی فایده می‌دانست و هیچ گاه حاضر به محاسبه و اعلان آن نشد.

خط فقر مبنای برنامه ریزی‌ها برای فقر زدایی در جهان است و این دولت‌ها هستند که بنا بر اهداف خود در محاسبه آن روش‌های مختلف در پیش می‌گیرند.

بنابر تعریف خط فقر مطلق عدم تأمین حداقل نیازهای تغذیه‌ای، بهداشتی، پوشاکی، آموزشی، مسکن و حمل و نقل یک خانواده است که حداقل غذای مورد نیاز یک خانوار ایرانی دو هزار کالری در روز است و این رقم مبنای محاسبه خط فقر در نظر گرفته شده است. بر اساس این تعریف خط فقر، قابل محاسبه است.

مهم آن است که تعیین خط فقر، دولت را موظف می‌کند برنامه ریزی‌های دقیق و پیگیری را در جهت فقرزدایی به مرحله اجرا بگذارد. بر این اساس احمدی نژاد، از پذیرش و اعلام خط فقر سر باز می‌زند که به این مسئولیت خود در قبال جامعه گردن نگذارد.

مطابق برآورد حسین راغفر، محقق در حوزه فقر، خط فقر در ایران در سال ۸۷، حدود ۸۰۰ هزار تومان بود. هم چنین براساس گزارش های بانک مرکزی، متوسط هزینه ماهانه خانوار شهری در سال ۸۷، معادل ۸۸۱ هزار تومان بود.

جعفرزاده، رییس کمیسیون اجتماعی مجلس نیز گفته است، شهروندان تهرانی که کم تر از ۵۰۰ هزار تومان حقوق می گیرند زیر خط فقر محسوب می شوند. اما این رقم با واقعیت های جامعه و تورم و گرانی فزاینده و هم چنین هزینه ها همخوانی ندارد. براساس مطالعات مرکز پژوهش ها دهک های کم درآمد جامعه تا ۷۰ درصد درآمد خود را صرف خرید یا اجاره مسکن می کنند و با توجه به رشد بالای مسکن در مناطق مختلف شهری و حتی روستایی از مبلغ ۵۰۰ هزار تومان تنها ۱۵۰ هزار تومان برای مخارج دیگر باقی می ماند اما وقتی اقلام سبد خانوار از جمله یک کیلو گوشت به مرز ۱۲ هزار تومان می رسد مبلغ یاد شده کفاف حتی یک سوم ماه خانوار شهری را نیز نخواهد داد. این در حالی است که هزینه خدمات مانند بهداشت و آموزش نیز طی سال های گذشته ۱۸۰ درصد رشد کرده است.

دبیر مجمع اسلامی کارکنان بانک ها، اعلام کرده است میانگین دریافتی کارکنان بانک ها که همیشه در میان کارکنان دولتی و غیردولتی از وضعیت بهتر برخوردار بودند، حدود ۲۹۰ هزار تومان است. این بدان معنی است که دریافتی بسیاری از کارکنان دولت، پایین تر از ۴۰۰ هزار تومان است.

رییس جمهور تیر خلاص زن حکومت اسلامی، در همان مصاحبه مطبوعاتی بیکاری ۲۰۰ هزار نفر در یک سال را عدد بزرگی ندانسته و آن را طبیعی خوانده و گفته است: «در بازار کار همواره عده ای بیکار می شوند و عده ای سر کار می روند، بدین معنی که افرادی که امروز بیکار می شوند، ممکن است پس از مدتی مجدداً بر سر کار بروند، بنابراین بازار کار همواره در حال تبادل نیروی انسانی است.»

خبرگزاری حکومتی مهر، دوشنبه ۳۰ شهریور ۱۳۸۸، نوشت: مرکز آمار ایران، متوسط کل هزینه خالص سالانه یک خانوار شهری در سال ۱۳۸۷ را بیش از ۹ میلیون و ۴۲۱ هزار تومان (ماهانه بیش از ۷۸۵ هزار تومان) اعلام کرد که نسبت به سال ۸۶ معادل ۱۵,۹ درصد افزایش نشان می دهد.

از کل هزینه سالانه خانوار شهری ۲۱ میلیون و ۳۶۰ هزار ریال با سهم ۲۲,۷ درصد مربوط به هزینه های خوراکی و دخانی و ۷۲ میلیون و ۸۵۴ هزار ریال هزار ریال با سهم ۷۷,۳ درصد مربوط به هزینه های غیرخوراکی بوده است. در بین هزینه های خوراکی و دخانی، بیشترین سهم با ۲۴,۱ درصد مربوط به هزینه گوشت و در بین هزینه های غیر خوراکی بیشترین سهم با ۴۳,۰ درصد مربوط به مسکن بوده است.

متوسط درآمد اظهار شده سالانه یک خانوار شهری ۸۸ میلیون و ۲۱۹ هزار ریال بوده است که نسبت به سال قبل، ۱۳,۱ درصد افزایش یافته است. منابع تامین درآمد خانوارهای شهری نشان می دهد که ۳۴,۲ درصد درآمد از مشاغل مزد و حقوق بگیری، ۲۱,۳ درصد از مشاغل آزاد کشاورزی و غیر کشاورزی و ۴۴,۵ درصد از محل درآمدهای متفرقه خانوار تامین شده است.

گزارش مرکز آمار ایران می افزاید: متوسط کل هزینه خالص سالانه یک خانوار روستایی ۵۳ میلیون و ۹۹۵ هزار ریال بوده است که نسبت به سال قبل ۱۰,۵ درصد افزایش نشان می دهد.

از کل هزینه سالانه خانوار روستایی ۲۰ میلیون و ۸۵۴ هزار ریال (۳۸,۶ درصد) مربوط به هزینه های خوراکی و دخانی و ۳۳ میلیون و ۱۴۱ هزار ریال (۶۱,۴ درصد) مربوط به هزینه های غیرخوراکی بوده است. در بین هزینه های خوراکی و دخانی، بیشترین سهم با ۲۴,۱ درصد مربوط به هزینه آرد، رشته، نان و غلات و در بین هزینه های غیر خوراکی، بیشترین سهم با ۲۷,۰ درصد مربوط به مسکن بوده است.

همچنین متوسط درآمد اظهار شده سالانه یک خانوار روستایی ۴۸ میلیون و ۴۲۴ هزار ریال بوده است که نسبت به سال قبل ۲,۸ درصد، افزایش داشته است. از این مقدار ۳۳,۴ درصد از مشاغل مزد و حقوق بگیری، ۳۷,۶ درصد از مشاغل آزاد کشاورزی و غیر کشاورزی و ۲۹,۰ درصد از محل درآمدهای متفرقه خانوار تامین شده است.

طرح آمارگیری هزینه و درآمد خانوار با قدمتی نزدیک به ۵۰ سال از مهمترین طرح های آمار ایران است. هدف کلی این طرح، برآورد متوسط هزینه ها و درآمد یک خانوار شهری و یک خانوار روستایی در سطح کشور و استان ها است. در سال ۱۳۸۷ تعداد خانوارهای آمارگیری شده در این طرح ۱۹۳۸۱ خانوار نمونه در نقاط شهری و ۱۹۷۰۷ خانوار نمونه در نقاط روستایی کشور اجرا شده است.

علاوه بر این که چندین میلیون نفر در این بیکاران کشور، بین ۷ تا ۱۰ میلیون نفر تخمین زده می شود، همواره صنایع کشور را تعطیل می گردد و کارگران آن به میان بیکاران پرتاب می شوند.

خبرگزاری حکومتی فارس، یکشنبه ۲۹ شهریور ۱۳۸۸، به نقل از رییس اتحادیه چایکاران کشور، خبر تعطیلی بیش از ۵۰ درصد کارخانه های چای شمال را به دلیل واردات انتشار داد.

ایرج هوسمی، در مورد اثر واردات بی رویه چای خارجی بر صنعت و کشاورزی چای ایران گفت: از ۱۷۲ کارخانه چای سازی در شمال کشور در بیشترین زمان بهره برداری، کم تر از ۵۰ درصد کارخانه ها راه اندازی شدو بقیه تعطیل هستند. وی افزود: در دور اول چیدن برگ سبز چای ۱۰۲ کارخانه باز بود و در حال حاضر بین ۶۰ تا ۷۰ کارخانه چای سازی فعالیت دارند. هوسمی دلیل اصلی تعطیل بودن کارخانه ها را در انبار ماندن چای از سال های قبل دانست و گفت: علت مشکلات صنعت چای به دلیل واردات بی رویه چای خارجی اسانس زده و دارای عطر و طعم و رنگ شیمیایی است که باعث تغییر ذائقه مردم و رویگردانی از مصرف چای داخلی شده است.

رییس اتحادیه چایکاران کشور گفت: یک هکتار باغ چای در طول دوره بهره برداری بین ۱۲۵ تا ۱۳۰ کارگر جذب می کند که ۳۰ هزار هکتار باغ چای در کشور وجود دارد و بیش از ۵ میلیون نفر کارگر روز در شرایط کنونی در آن ها مشغول به کار هستند. هوسمی افزود: بهره برداری از چای شمال ظرف ۶ ماه انجام می شود که حدود ۵ میلیون نفر در حلقه های برداشت برگ سبز در باغ و چای سازی در کارخانه ها مشغول فعالیت هستند.

از سوی دیگر، کارخانه های بزرگ صنعتی در حال پاکسازی کارگران قراردادی خود هستند و کارگران ماهر قراردادی با بیش از ۱۵ سال سابقه کار نیز در بین اخراجی ها قرار دارند. مدیران غولهای صنعتی ورشکسته به کارگران رسمی خود فشار آورده اند که با قبول بازنشستگی پیش از موعد از کارخانه ها خارج شوند.

براساس بررسی ها و گزارش ها، با تغییر در سبد هزینه خوراکی خانوار شهری مصرف سالانه اقلام غذایی و آشامیدنی را سخت کاهش داده و این کاهش باعث ضعف جسمانی جوانان و نوجوانان و کوتاهی قد کودکان شده است.

رییس اتاق بازرگانی تهران در گفتگو با خبرگزاری کار ایران، ایلنا، اعلام کرد که هم اکنون شهرک های صنعتی کشور تنها با یک سوم ظرفیت خود کار می کنند. برای نمونه، مدیر عامل صنایع شیر ایران با اعلام این مطلب که صنایع لبنی کشور با کم تر از ۵۰ درصد ظرفیت خود کار می کنند، تصریح نمود: در مجموع کم تر از ۶۰۰ کارخانه فرآورده های لبنی در سراسر کشور فعال هستند. هم زمان، معاون شرکت بازرگانی دولتی ایران اظهار داشته است: کارخانه های آردسازی کشور با کم تر از ۴۵ درصد ظرفیت خود کار می کنند و به این ترتیب می توان گفت که نه تنها کارخانه های آردسازی، بلکه کلیه بنگاه هایی که تنها با ۴۵ درصد ظرفیت خود کار می کنند، در وضعیتی بحرانی هستند.

این وضعیت در مورد صنایع واگن سازی، فولادسازی و کشتی سازی و نیز صنعت تولید تاپر صادق است که بحران و ورشکستگی شان عمدتاً ناشی از واردات بی رویه کالا در چهار سال اخیر بوده است. هفت ماه پیش انجمن تولیدکنندگان فولاد ایران اعلام کرده بود که معادل ۵۰۰ هزار تن فرآورده های فولادی کشور در انبارها انباشت شده و به فروش نرسیده است، زیرا در سال ۸۷ دولت بیش از ۸ میلیون تن فولاد وارد کشور کرد، در حالی که بخش خصوصی قادر به تولید ۱۱ میلیون تن فولاد است. به همین منوال، واردات لاستیک های چینی در چند سال اخیر تولیدکنندگان داخلی تاپر را عملاً از صحنه حذف کرده است.

در چنین شرایطی، احتمال اوج گیری اعتراضات و اعتصابات کارگری، حتی بسیاری از عناصر حکومت را نیز آن چنان سراسیمه و نگران کرده است که به جناح های حکومتی توصیه می کنند اختلافات را کنار بگذارند تا در آینده بتوانند با قدرت مانع گسترش اعتراضات و اعتصابات کارگری بشوند. برای مثال، سایت اینترنتی «الف» گزارش وضع اقتصادی کشور به قلم «احمد توکلی» نماینده مجلس را منتشر کرده است.

احمد توکلی، ریاست مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی را نیز در سه دوره اخیر به عهده داشته است، در دوران نخست وزیری میرحسین موسوی وزیر کار بود و از همان زمان به بررسی مسائل مربوط به اشتغال علاقه نشان می داد.

وی در گزارشی که در سایت «الف»، در تاریخ چهارشنبه، ۴ شهریور ۱۳۸۸ منتشر شده است پس از اشاره به گسترش اعتصاب های کارگران در نساجی بوکان، لاستیک دنا، پریس و کشت و صنعت هفت تپه، می نویسد: «طرف یک ماه و نیم گذشته، نرخ بیکاری در تهران ۳ درصد بالا رفته و هزار و ۶۴۶ نفر به خیل کارگران بیکار پیوسته اند.»

وی در بخشی دیگری از گزارش، با اشاره به این نکته که ۲۰۰ هزار کارگر در ۵۰۰ کارخانه ایران بین ۳ تا ۵۰ ماه حقوق خود را دریافت نکرده اند، می نویسد: «رکود اقتصادی در کشور رو به وخامت دارد. اتاق بازرگانی، پیش از این نسبت به ادامه بحران هشدار داده بود، فعالان بخش خصوصی می گویند وقایع اخیر باعث عدم اطمینان در اقتصاد شده است.»

توکلی ورشکستگی پیاپی کارخانه ها و افزایش تعداد بیکاران و نیمه بیکاران را نتیجه رکود اقتصادی دانسته، نسبت به طغیان کارگران (یقه آبی ها) هشدار داده و نوشته است: «میلیون ها یقه آبی خود را بازنده مناسبات جدید می دانند. همه اخبار چند ماه گذشته، دال بر شکل گیری گسترده اعتراضات یقه آبی ها است. ادامه روند فعلی و عدم توجه به رکود بنگاه های اقتصادی، موج اعتراضات آبی را به راه خواهد انداخت. ... انگیزه اصلی تحریکات آبی ها، نگرانی از گرسنگی خانواده، شیرخشک فرزند، اجاره مسکن آخر ماه، ادامه تحصیل فرزند و درمان همسر است.»

احمد توکلی از اعتراضات کارگران به عنوان «جنبش آبی ها» نام می برد و می نویسد که سرکوب این جنبش حتی اگر به «تواب سازی» بیانجامد، مانع فساد و انحرافات اجتماعی نخواهد شد.

وی در پایان این گزارش خود می افزاید، از امکان به هم پیوستن اعتراضات یقه سفیدها و یقه آبی ها، به عنوان عاملی برای موثر بودن اعتراضات آن ها سخن گفته می شود. منظور توکلی از یقه سفیدها، کارفرمایان، مدیران و سرمایه دارانی است که در شرایط فعلی ایران، گویا آن ها هم امنیت اقتصادی ندارند.

این سخنان یکی از عناصر مهم حکومت در عرصه کارگری است. احمد توکلی خطر خیزش جنبش کارگری که بی شک با راه پیمایی های میلیونی خیابانی همراه خواهد شد را درک کرده و هشدار می دهد که حکومت خود را یک دست کند و برای سرکوب جنبش کارگری آمادگی لازم را داشته باشد. این هشدارها کارساز نیستند چون که حکومت اسلامی نه تنها در خیابان ها با نفرت عمومی و اجتماعی روبروست، بلکه عمق نفرت از این حکومت در کارخانه ها و کارگاه ها و خانواده های کارگری و مردم محروم سال هاست که ریشه دوانده است. اگر این نیرو به طور پیگیر در سطح سراسری دست به اعتراض و اعتصاب بزند هیچ قدرتی قادر نیست مانع پیشروی آن بشود. این تجربه نه در تاریخ دور و یا تاریخ کشورهای دیگر، بلکه در همین سی سال پیش در جامعه خود ما، یعنی در سال ۱۳۵۷ به وقوع پیوست. هنگامی که کارگران و در پیشاپیش همه کارگران قهرمان صنایع نفت دست به اعتصاب زدند کمر حکومت شاه را شکستند و در چند ماه آن را به گورستان تاریخ فرستادند.

بر اساس شاخص های بانک جهانی، صندوق بین المللی و واحد اطلاعات اقتصادی اکنومیست رتبه ایران در میان ۱۷۹ کشور جهانی از ۱۳۷ در سال ۲۰۰۵ به ۱۶۸ در سال ۲۰۰۹ سقوط کرده است.

حقوق ۲۶۳ هزار تومانی و خط فقر ۹۰۰ هزار تومانی، بی کاری، تعمیق خطر فقر، تن فروشی، فساد، فلاکت، تورم، ورشکستگی هر چه بیش تر صنایع؛ سقوط کشاورزی، خدمات و... از جمله عوارض سیاست های اقتصادی حکومت اسلامی هستند.

قراردادهای سفید، قراردادهای موقت کار، کار با دستمزدی اندک، کار در محیط معدن با کم ترین تجهیزات، کار بدون بیمه تامین اجتماعی و بیش از ۸ ساعتی که سالهاست کارگران جهان از آن برخوردارند، بخشی دیگری از معضلات و مشکلات کارگران ایران است.

اخیرا مساله مهم دیگری که در میان کارخانه ها رایج شده است استخدام کارگران به صورت یک ماهه است. یعنی تعدادی کارگر را در زمان زیاد بودن تولید به صورت پیمانی استخدام می کند و بعد از اتمام کار با آن ها تسویه حساب می کنند این نوع استخدام در شرکت هایی مثل شیشه مینا، بستنی پاک شیر پاک و حتی شیشه گاز صورت گرفته است که هیچ نوع تضمین و امنیتی برای کارگر در نظر گرفته نمی شود. اگر این مساله به همین منوال ادامه پیدا کند این نوع استخدام هم مثل پیمانکاری در بین کارخانه ها جا خواهد افتاد.

درچنین موقعیتی، عمیقتر شدن شکاف بین جناحهای حکومتی و دولت و مجلس در شرایطی که تورم و گرانی غیرقابل کنترل است و هزینه های بسیار بالای زندگی و تحریمهای بین المللی علیه ایران وجود دارد، کابینه احمد نژاد را بیش از پیش دچار بحران خواهد کرد.

دولت احمدی نژاد، در چهار سال گذشته با آب و تاب درباره موفقیت بنگاه های زودبازده سخن رانده اند. اما واقعیت ها نشان می دهد که احمدی نژاد و دیگر مسئولین حکومت وی در این عرصه نیز دروغ گفته اند. با انتشار گزارش های تحقیقی نهادهای کلان اقتصادی کشور از جمله بانک مرکزی که در پژوهش های خود اعلام کرده اند که طرح ایجاد اشتغال به وسیله تاسیس بنگاه های زودبازده ناموفق بوده است. در تازه ترین گزارش مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، پیرامون عملکرد این طرح، نسبت تحقق اشتغال در این بنگاه ها معادل ۳۸ درصد تعهد ثبت شده اعلام شده است. طبق همین گزارش، نزدیک به ۱۹ هزار میلیارد تومان یعنی حدود ۱۹ میلیارد دلار وام بانکی در این پروژه تزریق شده است. حتی معاون مبارزه با جرائم اقتصادی نیروی انتظامی هم به نقل از گزارش سازمان بازرسی کل کشور اعلام کرده است، ۵۰ درصد بنگاه های زودبازده اقتصادی به انحراف رفته اند. در گزارش معاون پلیس آگاهی نیروی انتظامی از یک پرونده ای که در حال رسیدگی است نام برده می شود که فردی با گرفتن تسهیلات بنگاه های زودبازده اقتصادی به میزان ۶۷ میلیارد تومان با تعهد ایجاد شغل برای ۲۰ هزار نفر، تنها سی کارگر روزمزد را بدون بیمه به کار گرفته و به تعهد خود نیز عمل نکرده است. بنابراین، طرح بنگاه های زودبازده اقتصادی نه تنها روش مطلوبی برای اشتغال زایی نبود، بلکه طرحی بود که اطرافیان حکومت و نور چشمی هایشان با دریافت وام های کلان از بانک ها به نان و نوایی برسند.

اگر برای ایجاد اشتغال مجموعه اقتصادی کشور به حرکت درنیاید موفق نخواهد بود. نخست باید مزدگیران بر عرصه کار و تولید حاکم باشند و آن را بر اساس نیازهای واقعی مردم نه نیازهای سرمایه داری سازمان دهد. در چینی روندی هم در عرصه اشتغال زایی و هم در عرصه تولید و رشد اقتصادی کشور شکوفایی ایجاد می شود.

در شرایطی که سانسور شدیدی بر رسانه های ایران حاکم است این گزارش هایی که درباره وضعیت بسیار سخت واحدهای تولیدی منتشر می شود، به عنوان نمونه هایی می توانیم تلقی کنیم. مسئولین دولتی هر نوع خبر و گزارشی که درباره واقعیت های اقتصادی ایران و بحران صنایع و مشکلات کارگران منتشر می شود، برخورد شدید دستگاه های دولتی روبرو می شود.

با در نظر گرفتن این واقعیت های اقتصادی و سیاسی که در سه دهه گذشته، بخش صنعت ایران را از نظر ساختاری در موقعیتی قرار ندارد که بتواند با تولیدات خارجی که به وفور وارد کشور می گردند، رقابت کند، آینده بحرانی تری در پیش دارد.

در حالی که بحرانی اقتصادی جهانی هم چنان ادامه دارد، بسیاری از کشورهای در حال توسعه وضعیت بدتری دارند. ایران که به سبب بحران جهانی معضلات و مشکلات بیش تری دارد و به ویژه احتمال تحریم های اقتصادی بیش تری نیز وجود دارد، توانایی آن را ندارد که صنایع ایران را از بحران خارج سازد و اشتغال را گسترش دهد. اگر وضع به همین منوال پیش برود، واحدهای تولیدی زیادی دچار بحران و ورشکستگی و تعطیلی خواهند شد و کارگران آن ها نیز به میان میلیون ها کارگر بیکار پرتاب خواهند شد.

اکنون دولت محمود احمدی نژاد، نه حمایت بخش عظیمی از مردم ایران را در پشت سر خود دارد و نه در نزد افکار عمومی مردم جهان از کم ترین وجهه ای برخوردار است. اساسا مردم ایران و جهان می دانند که حکومت اسلامی با زور سرنیزه و تهدید و ترور و کشتار خودش را سر پا نگاه داشته است. در زمینه اشتغال زایی و بهبود کار و زندگی کارگران سیاست مشخصی ندارد. اگر هم چنین سیاستی داشته باشد نه قادر است این وضعیت را تغییر دهد و نمی خواهد کلیه مزدگیران زندگی بدون دغدغه ای داشته باشند. در چنین روندی شدت استثمار از یک سو و سرکوب های سیاسی از سوی دیگر، به مراتب بیش تر از گذشته متوجه کارگران شده است. بر این اساس، تاروکی که کارگران خود را در سطح سراسر کشور به عنوان یک طبقه متشکل نکرده اند و وارد عرصه مبارزه هدفمند پیگیر و متحد و آگاهانه نشده اند، هر تحولی هم در جامعه ایران پدید آید از درد و رنج کارگران کاسته نخواهد شد. زیرا طبقه کارگر با متحد کردن جنبش های حق طلب دیگر، قادر است با استراتژی خود تحولاتی به وجود آورد که با رهایی خود، کل جامعه را از ستم و استثمار سرمایه داری و حکومت حامی سرمایه رها می سازند.

یادداشت روز بهرام رحمانی

bamdadpress@ownit.nu

بیست و ششم سپتامبر ۲۰۰۹